

بگذارید تک تیرانداز باقی بمانم

حاج همت تردید داشت که عباس یا علی فضلی را به عنوان فرمانده لشکر معرفی کند، چند بار با عباس صحبت کرد تا او فرماندهی لشکر را قبول کند.

حاج همت تردید داشت که عباس یا علی فضلی را به عنوان فرمانده لشکر معرفی کند، چند بار با عباس صحبت کرد تا او فرماندهی لشکر را قبول کند.

به گزارش گروه «حماسه و مقاومت«؛ خبرگزاری فارس، رفتیم جلسه، حاج همت تردید داشت که عباس یا علی فضلی را به عنوان فرماندهی لشکر معرفی کند، چند بار با عباس صحبت کرد تا او فرماندهی لشکر را قبول کند.

عباس مرتب می گفت: «نمی دانید امروز با رضا چراغی (1) روی تپه چه کیفی کردم«؛ هم‌ا‌ش می گفت: «بگذارید تک تیراندازی باقی بمانم.«؛ بالاخره با امتناع او، علی فضلی به عنوان فرماندهی لشکر معرفی شد.

یک ربع بعد، گفتند بروید و نیروها را از روی تپه‌ی 112 بکشید عقب. شاید او آخرین کسی بود که از روی تپه پایین می آمد. او را دیدم که اشک توی چشم‌هایش جمع شده بود. عراقی‌ها منطقه را محاصره کرده بودند، عباس گفت: «داریم می رویم، در حالی که نمی توانیم شهدا را ببریم عقب.«

فردا صبح با حاجی پور رفتیم ببینیم کسی جا نمانده باشد، دیدم عباس یک شهید را به دوش گرفته و دارد عقب می آید. از شدت ضعف و خستگی صورتش سفید سفید شده بود، کمکش کردیم و شهید را آوردیم عقب، دیدم عباس دوباره برگشت، پرسیدم: کجا می روی؟ گفت: «باید بروم و یک جنازه‌ی دیگر بیاورم.«؛ هر کاری کردیم، همراهان نیامد. برگشتیم عقب، حاج همت پرسید: بقیه کجا هستند؟ جرات نکردیم بگوییم عباس همراهان نیامده است.

ساعت ده صبح پیدایش شد، پرسیدیم: کجا بودی؟ گفت: «آن جلو کارهایی می کردم.«؛ غروب که شد به من و سعید قاسمی گفت: «یک شهید را از خط عراقی‌ها آورده‌ام عقب‌تر و گذاشته‌ام کنار یک تپه، برویم او را بیاوریم. رفتیم و آن شهید را آوردیم.«

1- پرچمدار دلاور لشکر 27 محمد رسول الله(ص) که در منطقه ی فکه به شهادت رسید.

ویژه‌نامه سی سالگی دفاع مقدس در خبرگزاری فارس